

رئیس سازمان مالیاتی خبر داد:

فرار مالیاتی
۶۰۰ هزار
شرکت

«امتیاز» در مورد پسماندهای سرگردان شمال گزارش می‌دهد؛

میهمان دائمی جنگل‌های هیپریگانی

سبک زندگی اربعین؛

نمایشگاهی با طرح‌های جدید لباس افتتاح شد

فقط ۱۰ روز مانده؛

تصمیم خطرناک فیفا درباره فوتبال ایران؟

مهدی تارتار:

کی‌روش بعد از جام جهانی
باید برود

خزاعی: تلاشمان رونق

سینما و رفع دغدغه
سینماگران است

سرمقاله

«کانون» و زوال نهادها

■ **محمد هدایتی**
در خبرها آمده است که گویا قرار است کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تعطیل شود. این خبر برای همه آن کسانی که در طول چند دهه خاطره خوشی از «کانون» داشتند با از کیفیت برنامه‌های آن مطمئنند بسیار نگران‌کننده است. اگرچه در سال‌های اخیر کانون پرورش فکری دیگر آن رونق سابق را نداشت و تصفیه شده بود اما بپایه نیست اگر بر نقش کم‌نظیر این مرکز در حیات فکری ایران معاصر تأکید کنیم، بخصوص برای نسل متولدان دهه‌های پنجاه و شصت، نسل ما تا حد زیادی با تجربه کانون گره خورده بود.

در دوران دبستان و راهنمایی، تابستان و تعطیل شدن مدارس برای بسیاری از بچه‌ها شروعی بود برای کلاس‌های جدید-کلاس‌هایی که دیگر کسک‌کننده نبود. کلاس‌های «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» با پرداخت هزینه‌ای بسیار کم، هزینه‌ای که خانواده‌های کم‌بضاعت هم استطاعت آن را داشتند، می‌شد از خدمات کانون استفاده کرد. در روزهای شلوغ دهه ۶۰ و اوایل دهه هفتاد.

کانون تأثیر زیادی بر تربیت فکری بچه‌ها داشت، جایی برای تمرین با هم بودن و آموزش مهارت‌های متفاوت، پادم می‌آید برای ما بچه‌های دبستانی، در آن روزهایی که نشانی از این همه موسسه خصوصی نبود و انگلیسی در قیاس با امروز زبانی به مراتب بیگانه‌تر بود، کلاس‌های زبان برگزار می‌کردند خیلی آرام و بی‌هایاهو. از سطح بندی و این چیزها هم خبری نبود، کلاس نجوم هم داشتیم. در اتاقی تاریک، اجرام آسمانی معرفی می‌شد، و ما با دهانی بازمانده از حیرت، شگفتی خیره‌کننده آسمان‌ها را و عظمتش را در می‌یافتیم. خیلی کم‌البته، دیگر کلاس‌ها، کلاس نقاشی بود. نقاشی از چیزهای مختلف، تجربه یادگیری چگونگی نگاه کردن به پیرامون، چگونگی ارتباط برقرار کردن با ایزه مورد نظر و اجابت ترسیم تصویری از آن؛ هرکس بر حسب استعداد خود، دیگر تجربه خوشایند کانون فیلم دیدن‌های دسته‌جمعی بود؛ یا اردوهای جمعی، همه این‌ها بود، و البته بازی کردن‌های مدام و بخصوص کتابخانه کانون که منبمی بود برای گره خوردن با جهان کتاب. کانون تجربیات جمعی اصلی فراهم می‌کرد برای تمرین بودن با دیگران، برای یادگیری‌های جمعی، اینجا برای شکل‌گیری استعدادها، این در سطح خیلی فردی و محلی، می‌دانیم که کانون در سطحی دیگر و جدی‌تر چه تأثیراتی داشته است، چه اشتراکی هست میان عباس کیارستمی، احمد شاملو، بهرام بیضایی، کیوسمرت پوراحمد، صمد بهرنگی؟ اینکه همه سلفه‌کار در کانون را دارند. شاید اساسا شکوفایی کیارستمی محصول همکاری با کانون باشد. جمع کردن گروهی از هنرمندان و نویسندگان با استعداد و فراهم آوردن امکان‌هایی برای کار آن‌ها از اصلی‌ترین اهداف کانون بود و کم و بیش هم در این زمینه موفق بود.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان امروز کجاست؟ چه جایگاهی دارد میان موسسات خصوصی برده‌ها، که درباره کارکردشان تردیدهایی جدی وجود دارد؛ همان‌هایی که اساسا معطوف به کسب سود هستند، این نوشته تنها برآن نیست که گذشته را شکوهند جلوه دهد، سرریز یک نوستالژی هم نیست، قصه نهادهایی است که یک زمانی بودند، تأثیرگذاری اجتماعی-فرهنگی داشتند، اما امروز به فراموشی سپرده شده‌اند یا دیگر نشانی از آن‌ها نیست، قصه اضماعه سازکارهای و سیاست‌هایی است که نه تنها چیز جدیدی نساختند، که بر چیزهای خوب گذشته هم خط پایان کشیدند. قصه چیزهای خوب از دست رفته.



پشت پرده فروش فیاتر شکی

یادداشت

مروری بر جادوی پایدار

■ **حسین عطایی**
پس از انقلاب با انحصاری شدن سینما در دست دولت و حذف شدن بخش خصوصی، محدودیت‌هایی سنگین به فیلمسازان تحمیل گردیده است و سانسور چالشی جدی برای سینمای ایران شده است.

بیست و یک شهریور ماه در تقویم ایران به عنوان روز ملی سینما نامگذاری شده است سینما هنر هفتم از هنرهای هفگانه به عنوان هنر قرن بیستم نیز نام گرفته است. سینما، یک رسانه مهم دیناری و شنیداری مبتنی بر فناوری است که افزون بر بعد هنری، یک فعالیت اقتصادی نیز به حساب می‌آید. خود واژه سینما از واژه یونانی کینما به معنای جنبش گرفته شده است. یک اثر سینمایی که فیلم سینمایی نامیده می‌شود، از عناصر تصویر و صدا (گفتگو، صدا و موسیقی) تشکیل شده‌است. یک فیلم بر اساس فیلمنامه و توسط کارگردان، با هزینه تهیه‌کننده و مجموعه‌ای از بازیگرها، فیلمبردار و عوامل دیگر ساخته می‌شود.

سینما، این تازه‌ترین شاخه هنر، معروف به هنر هفتم امروزه یکی از عمومی‌ترین و محبوبترین تولیدات هنری را ارائه می‌کند. در آغاز سینما را بیشتر یک پدیده علمی صنعتی می‌دانستند. در سالهای جنگ جهانی اول، سینما به عنوان یک وسیله نمایشی و سرگرمی، رونق تجاری یافت. سپس قابلیت‌های هنری آن توسط فیلم سازان اروپایی و آمریکایی گشود شد. در همین سالها بود که ریچیوتو کانونو منتقد و نظریه پرداز ایتالیایی، سینما را هنر هفتم معرفی کرد؛ زیرا به عقیده او سینما هنری ترکیبی است که در آن همه هنرها حضور دارند.

پیدایش ورود سینما به ایران به سفر مظفرالدین شاه به فرنگ (فرانسه) بر می‌گردد. سینما تحفه فرنگ بود. در تابستان ۱۲۷۹ مظفرالدین شاه که به قصد سیاحت تهران را به مقصد اروپا ترک کرده بود به اتفاق ابراهیمخان عکاسباشی در فرانسه مخاطب پدیده تلوپون سینما شد. فقط ۵ سال از عمومی شدن اختراع لوپران گذشته بود و حالا شاه قاجار چنان شیفته سینما توگراف شده بود که فی‌المجلس دستور ایتاع دستگاههایی که در آن اتاق تاریک عکسها را زنده و متحرک به نمایش درمی‌آورد را صادر کرد.

شاه در بازگشت از سفر با خود دستگاه فیلمبرداری و نمایش فیلم به ایران آورد. سینما شد زینت مجالس دربار قاجار و ابراهیمخان عکاسباشی نخستین فیلمبردار و نمایش دهنده فیلم در ایران، از اختراع برادران لوپیر، دربار و اهل حرم و بعد مجالس عروسی و ... بهره‌ها گرفتند و سینما به عنوان یکی از مظاهر تجدد گردید.

تعطیلی نخستین سالن سینما در ایران

در جامعه سنتی و مردسالار ایران؛ حضور زنان در اجتماع محدودیت‌های بیشتری داشت و اکثریت جامعه تاب و تحمل نمایش چهره زن را بر روی پرده‌های سینما نداشتند. از همین رو نمایش فیلم با مخالفت عموم مردم و شخصیت‌های مواجه شد. در نهایت این مخالفتها سبب شد تا اولین سالن سینمای تهران به دستور دربار تعطیل شد.

نخستین فیلم سینمایی ایران

اوانس اوکائیانس در سال ۱۳۰۹ اولین فیلم سینمایی ایران را با نام آبی و رابی ساخت. تا قبل از آن بعضی از سینماهای تازه تأسیس شده فیلمهای غربی را بر زیرنویس فارسی نمایش میدادند. بعد از آن در سال ۱۳۱۲ شخصی به نام اردشیر ایرانی با همکاری عبدالحسین سینتا اولین فیلم ناطق ایرانی را به نام دختر لر در شهر بمبئی هندوستان ساخت و این فیلم مقدمات ساخت سایر فیلمهای ایرانی را فراهم کرد.

سینما بعد از دوران قاجار

در پایان دوران قاجار به دلیل مشکلاتی که برای واردات فیلمهای جدید وجود داشت، سینما دچار تکرار شد و بازار داغش را از دست داد و به رکود رسید. تغییر جو سیاسی در سالهای آغازین حکومت پهلوی و وقوع جنگ جهانی دوم سبب شد تا سینمای ایران بیش از پیش دوران رکودش را تجربه کند.

سینمای ایران از دهه ۲۰ تا دهه ۳۰

در دهه ۱۳۲۰ شرکت‌های سازنده سینمایی ایرانی کم کم شکل گرفتند و سینما در میان مردم عامه همگانتیر شد. در دهه ۱۳۳۰ سینمای ایران رو به پیشرفت گذاشت. تا جایی که پویانمایی وارد ایران شد و اسفندیار احمدیه در سال ۱۳۳۶ اولین فیلم کوتاه پویا نمایی را با نام ملائصرالدین در ایران ساخت.

سینمای ایران از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰

این دهه را میتوان دوران اوج سینمای ایران دانست. ساخت فیلم گنج قارون در این دوره سبب ابداع و گسترش فیلمهایی به سبک فیلمفارسی (هوشنگ کاوسی فقیدهنقد نامدار سینما که تحصیلکرده فرانسه بود این اصطلاح فیلمفارسی را در مورد این فیلم ها بکار می برد، آقای کاووسی عمدا این واژه را سرهم می نوشت تا نشان دهد این ها نه فیلم هستند و نه فارسی) شد که مورد استقبال عامه مردم قرار میگرفت. کمی بعد داریوش مهرجویی با ساخت فیلم گاو و مسعود کیمیایی با ساخت فیلم قیصر تحولی بنیادی در این شیوه از فیلم سازی ایجاد کردند که به موج نوی سینمای ایران معروف شد.

در همین دهه و در سال ۱۳۴۸ تشکیل کانون فکری کودکان و نوجوانان زمینه را برای ساخت فیلمهای فرهنگی و به دنبال آن سینمای فرهنگی فراهم کرد. در واقع تقابل فیلم فارسی و موج نو؛ تقابل پول و گیشه در برابر اندیشه و فرهنگ بود. تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و در سال ۱۳۴۸ یکی از عوامل مهم شکستوری موج و رو شد فرهنگی سینما در ایران بشمار می‌آید. در نهایت کاهش استقبال عموم مردم بخصوص قشر تحصیلکرده از فیلم فارسی؛ سبب شد تا جریان سازندهای از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در سینمای ایران به وجود آید.

ادامه در صفحه ۳

آگهی



خدمات پس از فروش ایران خودرو

همراه با کاروان اربعین حسینی

شانزدهم‌الی بیست‌وهفتم شهریور

در نمایندگی‌های منتخب و با حضور ناوگان امدادی



www.isaco.ir



خبر

گرانی خودرو ناشی از عرضه کم است

خواب زمستانی بازار خودرو

رئیس اتحادیه فروشندگان خودرو تهران با بیان اینکه رکود کامل بر بازار حاکم شده است، گفت: هنوز وضعیت عرضه خودرو تعریف چندانی ندارد و به دلیل همین مساله شاهد افزایش غیرواقعی قیمت‌ها هستیم.

سعید موتمنی در مورد وضعیت بازار خودرو اظهار کرد: بازار خودرو در رکود کامل قرار دارد و زودتر از موعد به خواب زمستانی رفته است. البته از ماهها قبل این رکود بر بازار حاکم بود ولی در یکی دو هفته اخیر، مشتری به هیچ وجه به بازار مراجعه نمی‌کند. رئیس اتحادیه نمایشگاه‌داران و فروشندگان خودرو تهران افزود: مصرف کنندگان به دلیل مذاکرات برجام و آزاد شدن واردات، از بازار خارج شده‌اند و فروشندگان نیز بالاتکلیف مانده‌اند زیرا به خاطر عدم اعلام جزئیات واردات، معلوم نیست خودروهای خارجی با چه قیمتی به دست مصرف کننده خواهد رسید.

وی با بیان اینکه تا زمانی که جزئیات واردات مشخص نشود، بالاتکلیفی بازار ادامه خواهد داشت، گفت: وقتی نرخ دلار ریزش کرد، قیمت خودرو نیز به همان تناسب در بازار کاهش یافت؛ به عنوان مثال خودروی پژو ۲۰۶ تیپ ۲ که ماهها بالای ۳۰۰ میلیون تومان عرضه می‌شد در آن زمان به ۲۹۵ میلیون تومان رسید اما با توجه به صعود دوباره قیمت دلار قیمت خودروها افزایشی شد و همین خودروی پژو ۲۰۶ تیپ ۲ از ۲۹۵ میلیون تومان به ۲۹۸ میلیون تومان رسید. همچنین می‌توان به قیمت خودروی مونتاژی هایما نیز اشاره کرد که با کاهش نرخ دلار به ۹۶۰ میلیون تومان رسیده بود اما در حال حاضر به ۹۸۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

موتمنی تصریح کرد: وقتی کالای مصرفی تبدیل به کالای سرمایه‌ای شود با کوچک‌ترین نوسانی چه در بخش ارز و چه در بخش اخبار مواجه شود، دچار تلاطم قیمتی می‌شود.

وی در مورد وضعیت عرضه هم گفت: اگر عرضه پاسسجگوی تقاضا بود وضعیت قیمت‌ها به این شکل نمی‌شد و این میزان از فاصله قیمتی بین کارخانه و بازار را شاهد نبودیم. اگر عرضه زیاد قطعا قیمت‌ها کاهش محسوسی می‌یافت.

رئیس اتحادیه نمایشگاه‌داران و فروشندگان خودرو تهران افزود: به عنوان نمونه می‌توان به عرضه خودروی پژو ۲۰۷ اتومات اشاره کرد؛ این خودرو در خرداد ماه امسال با قیمت ۶۰۰ میلیون تومان عرضه شد اما با توجه به افزایش عرضه در تیر ماه به ۵۶۰ میلیون تومان و دو هفته پیش به ۴۵۰ میلیون تومان رسید؛ البته امروز به دلیل افزایش نرخ ارز ۴۷۰ میلیون تومان عرضه می‌شود.

وی تأکید کرد: قطعا واردات خودرو و عرضه این محصولات به بازار می‌تواند روی قیمت تأثیر گذارد؛ بنابراین با توجه به تأثیر مولفه عرضه بر قیمت‌ها، وزارت صمت باید تمام تلاش خود را برای افزایش عرضه به کار گیرد.